

به کسی میرسد که کس...

شفاف و صادق و خوش فکر و بی‌خجاعت و
ضد رانت بازی و دشمن فساد و دوست خنبه‌ها و
کابوس دشمن و باعزم جزا و بی‌آرزو و قرار و
تا کار مردم راه نندازه دلواپس باشه!



شلمونچه

مریم صدیقی
سید علی رضا مهدوی زاده

- تصمیم برای نام‌گذاری روز شهادت آیت‌ا... رئیس در تقویم.

شلمون: برای صبح‌های جمعه هم به اسمی بذارین توی تقویم تا هر هفته یادآوری کنه که به کیا رأی ندیم.

- حمید نوری، شهروند ایرانی در سوئد - که با توطئه منافقین سال‌ها تحت اسارت و شکنجه بود - با تلاش‌های وزارت امور خارجه و به‌ویژه شهید امیرعبداللهیان به کشور بازگشت. منافق: فعلاً پلیس فرانسه به کمپون حمله کرده تجهیزاتمونو برده وگرنه فوری یه توئیت ضد نظام می‌زدم.

- به نقل از منابع خارجی، مریم رجوی پس از یک حمله عصبی شدید در فرانسه، به درک واصل شد.
شلمون: مث اینکه کاررئیس تو این دنیا با منافقین هنوز تموم نشده!

- دادگاه عالی کانادا شرکت هواپیمایی اوکراین را به دلیل سهل‌انگاری در توجه به هشدارهای امنیتی، مسئول پرداخت غرامت کامل به خانواده‌های سانحه پرواز در دی ماه ۱۳۹۸ ایران تشخیص داد.

حامد اسماعیلیون: سرچ کنم ببینم اوکراین برانداز نمی‌خواد؟

- نازنین بنیادی در فصل دوم سریال ارباب حلقه‌ها نقشی ایفا نخواهد کرد. او مدعی ست موقتاً حرفه بازیگری را برای دنبال کردن اهدافی دیگر کنار گذاشته است!

شلمون: اهدافی از قبیل پاک کردن لکه‌های نقش بسته بر سنگ توالت تام کروز با مسواک!

- معضل لجام‌گسیخته‌ی سگ‌های ولگرد یک کودک دیگر را هم به کام مرگ کشاند.

سگ صاحب: چرا همه‌ش انگشت اتهام رو به سمت سگ‌ها می‌گیرین؟ شاید اشتباه از آدم‌هاست که بیچه میان! سگ نمی‌تونه جلوزاد و ولدشو بگیره؛ ما که می‌تونیم!

جملات انگیزشی

سید محمد صادق پورمرشد

شاید مهاجرت سخت باشه؛ شاید دهنمون آسفالت شه؛ شاید مجبور شی از صفر شروع کنی؛ شاید غربت خفه‌ت کنه؛ شاید تا آخر عمرت به چشم خارجی ببینت؛ ولی به جاش آرامش فکری داری. یعنی با آرامش فکری بتونی توالت بشوری؛ با آرامش فکری آشغال جمع کنی و حتی با آرامش فکری کارتن خواب بودن رو به عنوان سبک زندگی انتخاب کنی.

ای بَرّیب! بر این چه آبردی؟! *

* ای مریم! بر این چه آوردی؟! *

محصولی فلتر ف از کعب اشرف ۳ در آلبانی:
سوغت طبیعی برای آتش جهنم!



سید محمد جواد طاهری

سید محمد جواد طاهری

صادق راست‌گفتار مطلق گزارش می‌دهد مهاجرت و انواع جدید آن

سید علی‌رضا مهدوی‌زاده

قربانی در بازار

مرتبیه قاسمعلی

فیش میلیونی و بی‌نوبت بهانه‌ست و لذا می‌شوی حاجی عوض کن طرز فکر کهنه را

۶۶ تا قسط و حق الناس هم برگردت
رهسپار حج و اعمالش شدی ای ناقله

با دلار چل هزار و باد در غیغ بیار
جنس‌های مید این چاینا و اصل ایندیا

می‌روی بعدش پی چیتان پیتان همسری
بر سرت از دست او می‌ریزد از هر سو بلا

در گرانی‌ها به جای اُرد سرکار علیّه
کاش می‌رفتی به قربانش همان جا در منا!

با هنرهایت، شنیدم "رُفُن" را پیچانده‌ای
بین ما می‌ماند اینکه رفته‌ای آنجا صفا!

می‌کشد اسم تو را حالا تریلی، بعد از آن
دخترت را نیز قالب کن به مردی ژن طلا

با وجود گرم و سرد روزگار و قبض و قسط
با خلوص نیتت یا ژانر اطوار و ادا

لااقل رفتی به دیدار خدا، ایول، دمت ...
مثل بعضی‌ها زلفتی سمت شهر کدخدا

«مهاجرت»، پدیده‌ای نام‌آشنا، آن هم در ایران بحران زده. موضوعی که حاصل چهل و اندی سال حکمرانی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی است. در مقابل، برخلاف سیاه‌نمایی‌های رسانه‌های رژیم درباره حکومت پهلوی، مهاجرت، وازه‌ای غریبه در لغت‌نامه‌های آن دوران قلمداد می‌شد. به عبارتی بهتر، این موضوع، در فرهنگ عامه‌ی مردم دوران شاهنشاهی، مانند پنچری گرفتن چرخ قطار، غیرلازم به نظر می‌رسید. «جشن‌های ۲۵۰۰ ساله» و «رونق اقتصادی مردم دربار»، تنها بخشی از مواردیست که انگیزه‌ی مهاجرت را در ریشه می‌خشکاند و مردم را روز به روز به زندگی امیدوارتر می‌کرد.

اما آنچه در اینجا - برای این کشور خسارت دیده، به دلیل عدم مدیریت کنونی قابل ذکر است - گونه‌ی جدیدی از مهاجرت است که گویا عادی جلوه‌دادن انواع قبلی آن، در شکل‌گیری این نوع جدید بی‌تأثیر نبوده است. امری که در سالیان اخیر، در کشور ایران، سالانه شصت هزار مورد از آن اتفاق افتاده ولی از نگاه مسئولین حکومتی، اتفاقی نیست که چندان چشمگیر به نظر برسد.

«موضوع مهاجرت چند ده هزار دام در سال»، اتفاقی نیست که به سادگی بتوان از کنار آن عبور کرده و وقعی به آن ننمود. در ادامه، سخنگوی مهاجرت دام از کشور و به تعبیر مسئولین حکومتی، سخنگوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، صادرات غیرقانونی این مقدار از دام را در افزایش قیمت گوشت بی‌تأثیر دانسته و سعی در عادی‌سازی این امر مهم و فاجعه‌بار را داشت. قاچاق دامی که شاید با نزدیک شدن به عید متعلق به مسلمانان، به نام «عید قربان»، به علت کشتار و وحشیانه‌ی این موجودات بی‌گناه، تشدید شده و به نوعی حرف دل این حیوانات زبان بسته باشد که: «هر چه زودتر از این سرزمین نفرین شده خارجم کنید! حق حیات، کمترین حق یک موجود زنده، من جمله من است.»



فرق می‌کنه کی رئیس باشه!

علی‌زاد



تکاپوی نافرجام اتاق بازرگانی برای تصویب شنبه در تعطیلات هفتگی به بهانه عقب نماندن از بازار جهانی؛ مصوبه مجلس در شورای نگهبان رد شد **شنبه را بگذارید برای ملت**

سیده فاطمه حسینی
ابوطالب شامی

به نام خدا، سلام
همه دلایل موافقت و مخالفت خودشون با تعطیلی شنبه رو
گفتن چرا ما نکیم. بنده مخالف تعطیلی شنبه هستم. چرا؟ چون
شنبه شروع هفته س، روز تلاش و کاره
یکشنبه و دوشنبه هر کسی کاری داره!

اگه اینو با آهنگ خوندی تو دوست و هم دهه ای خوب منی! بیا
بقیه شو با هم بخونیم:

سه سه سه سه شنبه روز میون هفته س
وقتی که چارشنبه شد روز سه شنبه رفته س
چه خوبه پنجشنبه ها، دوشس دارن بچه ها
شیش رو خوب میخوانن به انتظار فردا
وقتی رسید به جمعه، هفته دیگه تمومه
هر کی که خوش نباشه هفته اون حرومه!

ملاحظه فرمودید؟ اگه شنبه دیگه شروع هفته نباشه کل شعر به
هم می ریزه و احتمالاً این طور می شه:

یکشنبه ها که می شه، اول هفته مونه
اتاق بازرگانی اینطور صلاح می دونه
دوشنبه و سه شنبه مثل همون گذشته س
وقتی که چارشنبه شد، آخر کار هفته س
چرا که پنجشنبه ها، اداره تق و لقه
منتظرن که دررن عینهو به ترقه
جمعه و شنبه ولیم توی شمال و حومه
اقتصادم دُرُس شد، هفته دیگه تمومه!

فلذا لطفاً به خاطر کودکی در سُرف بر باد رفتن ما شنبه را تعطیل
نکنید. آقا اصلاً اینو ولش؛ ما تازه داشتیم روی خودمون کار
می کردیم که از شنبه شروع کنیم و قرار بود همین شنبه شروع کنیم!
حالا باید بیست سال بگذره تا خودمون رو قانع کنیم که از یکشنبه
شروع کنیم. این انصاف نیست. لطفاً شنبه را تعطیل نکنید.



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سید محمد جواد طاهری
کاری از کارگروه طنزستان طبرستان

با تشکر از علی رضا عموزاده

سوءتهازم

میلاد منتظری

مستخدم مدرسه به هویی در کلاس رو باز کرد
و اومد داخل. از معلم پرسید: «آقای معلم، به
دانش آموزات نگفتی چوب بستنی خوردنی
نیست و معده آدم نمی تونه هضمش کنه؟!»
معلم گفت: «خب معلومه خوردنی نیست!
چطور مگه؟»
مستخدم گفت: «آخه تو چاه دستشویی دیدم
چندا چوب بستنی هست!»

گرفتار شدیم

مجید نجفی

اگه به اختلاسگرو بگیرن:

بفرما! دیدی همه شون همین؟

اگه یکی اختلاس بکنه و فرار کنه:

بفرما! فراریش دادن، گفتم اینم از خودشونه.

اگه بگیرن و حکم بدن:

اینجا جلوما فیلم بازی می کنن وگرنه با هم جیک توجیکن!

اگه حکم سنگین بگیره:

**همچین می گه حکم دادن که انگار می خواد بره زندان؛
دو روز دیگه مرخصیه!**

اگه حکم سنگین بگیره و مرخصی نره:

**بله دیگه، زندان نیست که براشون، هتل
پنج ستاره س ...**

اگه حکم اعدام بگیره:

بفرما! می خوان بکشنش بالا؛ بقیه شونو لونده!

اگه حکم اعدامش به حبس تغییر کنه:

بله دیگه از اولشم معلوم بود فیلمشونه. بیچاره ملت!

این حجم از سیالیت در منطق و استدلال رو فقط می شه
پای درس براندازی عترننشال یاد گرفت!